



انسان در جست‌وجوی تسلی

در باب تسلی خاطر مایکل ایگناتیف حاصل دغدغه نویسنده برای رسیدن به آرامش در عصر جدید است

© مهرداد دلیلی | روزنامه نگار



آشکار می‌کند. او با بررسی زندگی چهره‌های گوناگون نشان می‌دهد که چگونه تلاش برای یافتن تسلی خاطر، جنبه‌ای جهانی از وضعیت انسانی است. این امر به هم پیوستگی حس همبستگی و انسانیت مشترک را تقویت می‌کند. این کتاب به عنوان یادآوری عمل می‌کند که به‌رغم تغییر ماهیت جهان ما، تلاش برای آسایش و امید بخشی اساسی از تجربه بشری است. کتاب «در باب تسلی خاطر» برای تسکین یافتن نیست، برای اندیشیدن در زمینه تسلی خاطر است. برای این است که ببینیم انسان‌های اندیشمند پیش از ما، تسلی خاطر را چگونه تعریف کرده‌اند و با بحران‌ها و مصایب خود، چگونه کنار آمده‌اند. شاید نگاه تازه‌ای که ایگناتیف، به زندگی و افکار آنها دارد، دید ما را نیز نسبت به زندگی وسعت بخشد و درکی جدید درباره مصایب و مشکلات زندگی به ما دهد.

این کتاب مجموعه‌ای است از تعدادی چهره‌نگاره،

فجایع همیشه از زندگی انسان‌ها بوده و هست؛ ممکن است به گستردگی جنگ، جهانی باشد یا به اندازه از دست دادن عزیزی، شخصی. زمانی اسطوره، اولین تسلا بخش انسان‌ها بود و آدمیان معتقد بودند هر رخداد بدی دلیلی داشته و جزئی از سنت ابتلا و امتحان است که جزای صبر و تحمل خود را در بهشت می‌بینند اما هرچه که تمدن پیشرفت کرد و دیدگاه انسان‌ها مادی‌تر شد و حالا انسان قرن بیست و یکم در برابر رنج‌ها بیش از هر زمان دیگری بی‌دفاع است. مایکل ایگناتیف در کتاب در «باب تسلی خاطر» به ما کمک می‌کند به دل تاریخ سفر کنیم و به این فکر کنیم که اندیشمندان، هنرمندان و فیلسوفان پیش از ما، برای یافتن تسلی خاطر در دوران تاریک به چه می‌اندیشیدند و چه کار می‌کردند. انتشارات بایگانی «در باب تسلی خاطر» را با ترجمه شیمیا شریعت منتشر کرده است. از این کتاب دو ترجمه فارسی دیگر هم منتشر شده اما ترجمه انتشار یافته از سوی نشر بایگانی علاوه بر امتیازهایی در ترجمه، از نظر کتاب‌آرایی و فنی هم ویژگی‌های برتری دارد از جمله طرح جلد و نقاشی‌های شاخص و متناسب که در صفحات استقبال کتاب از آنها بهره گرفته شده است.

مایکل ایگناتیف، نویسنده، مورخ مشهور تاریخ اندیشه و سیاستمدار اسبق که کتابش درباره زندگی آریازا برلین شهرت عام و خاص دارد و به فارسی هم ترجمه شده، در کتاب «در باب تسلی خاطر» زندگی و آثار شخصیت‌های تاریخی، فیلسوفان، نویسندگان و هنرمندان مختلف را می‌کاود تا راه‌های مقابله آنها با تراژدی‌های شخصی و جمعی را کشف کند. او که در مؤسسات معتبری مانند دانشگاه کمبریج، دانشگاه آکسفورد، دانشگاه هاروارد و دانشگاه تورنتو سمت‌های عالی علمی داشته و برای نشریات معتبری چون نیویورک تایمز مقاله و جستار می‌نویسد، ابتدا بررسی می‌کند چگونه فرهنگ‌ها و دوره‌های مختلف، مفهوم هم‌دردی را تعریف می‌کردند، متون باستانی مانند کتاب ایوب و مزامیر را بررسی می‌کند که در مواجهه با رنج، از آرامش روحی سخن می‌گویند. همچنین در نوشته‌های فیلسوفانی مانند سبیسرو، مارکوس اورلیوس و بوئتیوس که چهارچوب‌های فلسفی مختلفی برای درک و تحمل سختی‌ها ارائه کردند، می‌کاود. پس از این وارد حوزه‌های ادبی و هنری می‌شود و درباره آثار نویسندگانی مانند آلبر کامو، آنا آخماتووا و پریمو لوی بحث می‌کند که راه‌هایی برای بیان درد و انعطاف‌پذیری در شرایط سخت، از طریق بیان خلاقانه‌شان پیدا کردند. همچنین از موسیقی سخن می‌گوید که چگونه آرامش عاطفی و معنوی را فراهم می‌کند. پس از این به سراغ دنیای امروز می‌آید، جایی که دیگر روابط سنتی هم‌دردی چون اسطوره و فرهنگ‌های محلی تضعیف شده‌اند و به جای آن افراد از طریق روابط شخصی و علم به دنبال آرامش هستند. با این حال تصنیف تسلی منابع سنتی به هیچ وجه نیاز انسان به آسایش و امید را کنار نمی‌زند. ایگناتیف ارتباط متقابل تجربیات انسانی را در طول زمان و مکان‌های مختلف



در باب تسلی خاطر

آرامش یافتن در عصر ظلمت

- نویسنده: مایکل ایگناتیف
- ترجمه: شیمیا شریعت
- انتشارات: بایگانی
- تعداد صفحه: ۳۴۴ صفحه
- قیمت: ۳۸۵ هزار تومان

به‌ترتیب وقایع تاریخی، از اشخاصی که در مصیبت و بلا زیسته‌اند و با توسل به سنت‌هایی که به ارث برده‌اند به دنبال تسلی بوده‌اند؛ گرچه... همیشه هم موفق نشده‌اند. باین حال می‌شود از کشمکش و تقلایشان یاد گرفت و در آثار و احوالشان امید جست.

● جادوی موسیقی و کلمه

ایگناتیف در دیباچه کتابش می‌گوید شروع نگارش «در باب تسلی خاطر» به دعوتی نامعمول در سال ۲۰۱۷ برمی‌گردد: دعوت او به جشنواره سرایندگان مذهبی در اوترخت برای سخنرانی درباره عدالت و سیاست در کتاب مزامیر. بنا بود چهار گروه سراینده تمامی ۱۵۰ سرود را در مراسم اجرا کنند و ایگناتیف هم در وقفه میان اجراها سخنرانی کند. او در ادامه می‌نویسد: «جدا از چیزهایی که تقریباً همه درباره مزامیر می‌دانند. مثل «خداوند شبان من است» یا «اگرچه از تاریک‌ترین وادی بگذرم». من خیلی کم درباره آنها می‌دانستم. با این اوصاف، دعوت را پذیرفتم. با خودم گفتم فرصتش را دارم که یاد بگیرم. در طول تابستان، کتاب مقدس را مطالعه کردم و سخنرانی‌ام را ارائه کردم. شنبه و یکشنبه بعدش با همسر سوزانا کنار باقی حضار به سرودها و واژه‌های مزامیر به زبان هلندی و انگلیسی گوش دادیم. رفته بودم تا از عدالت و سیاست حرف بزنم ولی در موسیقی و کلمات و اشک‌های از روی قدردانی حضار، تسلی خاطر پیدا کرده بودم و این‌گونه طرح ریخته شد: تلاش برای درک اثری که آن سرودها روی من و بقیه حضار در سالن کنسرت در اوترخت گذاشتند. آن زبان مذهبی که من را، و البته اینکه اصلاً تسلی یافتن یعنی چه. در چهار سال بعد همان‌طور که طرح جلوی من رفت، جالب‌تر و در عین حال سخت‌تر می‌شد. حس می‌کردم خلاف جهت آب شنا می‌کنم. اغلب دوستان و همکارانم گیج و متعجب می‌پرسیدند چرا تسلی؟ و چرا الان؟ و بعد در مارس ۲۰۲۰ کرونا پیدا شد و همه را یکی دو سال به قرنطینه‌های پی‌درپی فرستاد. در جهان آنلاین، که حالا دنیای مشترک آدم‌ها شده بود، هیاهویی تمام عیار برای یافتن تسلی شکل گرفته بود. همه می‌خواستند به این حس مشترک بی‌قراری، تنهایی، ترس و اندوه بی‌پایان از دیدن آمار مرگ، که اول سخت قابل‌باور بود و هر چه گذشت بی‌سروردا پذیرفته‌تر شد، معنا بدهند.» و در بخش دیگری از دیباچه می‌نویسد: «هرچه از نوشتن این کتاب گذشت خورم را بیشتر مرهون سنت‌هایی دانستم که با ثبت دانش و اطلاعات، کار روی چنین طرحی را برایم ممکن کرده‌اند. این واقعیت که اصلاً به چنین متونی دسترسی داریم. مثلاً کتاب ایوب، مزامیر، رسائل پولس، تأملات مارکوس اورلیوس، نامه‌های سیسرون. همگی گواه برامانت‌داری دانشمندان، نسخه‌برداران، محرزان و مترجم‌های گمنامی است که در طول قرن‌ها این نوشته‌ها را از گزند موش و آتش و طاعون و بی‌اعتنایی آدم‌ها نجات داده‌اند.»

ایگناتیف در کتابش سراغ به تصویر کشیدن زنان و مردانی رفته است که در طول تاریخ برای یافتن تسلی تقلاها کرده‌اند و تأکید خاصی بر آن دارد که معناها و باورها در دوره حوادث و تجربه‌های منحصر به فرد شخصی و در عین حال جهان‌شمول جکش خورده و شکل گرفته‌اند. در این کتاب با مردان و زنانی مواجه می‌شویم که در دوران فاجعه، زوال آزادی مبتنی بر جمهوری، کارزارهای کشتار جمعی، اشغال دشمن و شکست نظامی فاجعه‌بار زندگی کرده‌اند و به ما امکان می‌دهد از روشن بینی آنها الهام بگیریم. دیدن خودمان زیر چراغ تاریخ باعث می‌شود ارتباط خود را با تسلی خاطر گذشتگان زنده کنیم و به کشف قربات خود با تجربه‌های آنها بپردازیم.